

ولای



سکانس برتر فیلم از نگاه کارگردان

روز خارجی قبرستان در قبرستانی سراسر پوشیده از برف، بها پیکر بی جان مردی را به دوش می‌کشد. نفس نفس می‌زند و دیگر توان راه رفتن ندارد. فریاد می‌کشد و پیش می‌رود. پیکر بی جان را در کنار یک قبر به زمین می‌اندازد. صدای زوزه باد در فضای بیجد.



ایمان عزیزی صدیق:

فیلم، زندگی شخصی من است

در اثر کدام نقش را ایفا می‌کنید؟ شناسنامه کوچکی از کاراکتر بگویید؟

قصه فیلم دو کاراکتر اصلی دارد که پدر و پسر هستند و من نقش پسر با نام بهار ابازی می‌کنم. بها خیلی اتفاقی متوجه می‌شود که پدرش عفو خورده و تصمیم می‌گیرد خودش جاوی زندان برود و پدرش را همراهی کند. در مسیر انگار می‌خواهد از پدرش انتقام بگیرد با او خیلی صحبت نمی‌کند و ارتباط برقرار نمی‌کند.

چه چیز از فیلمنامه اثر برای شما جذاب بود که باعث شد نقش را بپذیرید؟

بخش زیادی از این قصه الهام گرفته از زندگی شخصی خود من بوده است و طبیعتاً دلیلی ندانست که نخواهم بازی‌اش کنم.

زمینه همکاری شما و کارگردان اثر، به جز نسبت فامیلی تان چه بود؟

من سال‌ها در تئاتر فعال بودم و کنار آن در زمینه تدوین هم با چندین فیلم همکاری داشتم، ضمن اینکه تحصیل کرده در

ترجیح و علاقه من این بود که از بازیگران توانمندی که کمتر دیده شده‌اند استفاده کنم. به همین دلیل از بازیگرانی که فعالیت تئاتری داشتند دعوت کردیم و با آن‌ها صحبت و مصاحبه انجام شد و در نهایت بازیگران خودمان را انتخاب کردیم. نقش اصلی کار را آقای ایمان صدیق بازی می‌کنند که دانش آموخته سینما و تئاتر هستند و سال‌ها است در تئاتر فعالیت دارند. البته ایشان با بنده نسبت خانوادگی هم دارند و برادر من هستند.

اثر شما جلوه‌های ویژه بصری و میدانی هم داشته است؟

به دلیل شرایط جوی ناپایداری که در منطقه حاکم بود از همان ابتدا می‌دانستیم که جلوه‌های ویژه بصری خواهیم داشت. برف می‌خواستیم و ناگهان برف قطع می‌شد. یا مثلاً ناگهان آفتاب می‌زد. این‌ها مواردی بود که حتماً باید در بخش جلوه‌های ویژه حل می‌شد.

اثر شما در چه ژانری قرار می‌گیرد؟

فیلم من اجتماعی است. درست است که می‌گویند اجتماعی ژانر نیست اما من فیلم خودم را اجتماعی می‌دانم و اگر بخواهم ژانری برای آن بگویم ژانر جاده است.

رشته‌های هنری هم هستیم.

کارگردان اثر در بداهه بردازی دیالوگ و میزانشن چه اندازه دست بازیگران را باز می‌گذاشت؟

بخش زیادی از کار ما در برف و کولاک بود. جایی در حال فیلمبرداری بودیم و به یکباره کولاک می‌شد و باید سریع رج می‌زدیم و مجدداً به لوکیشنی دیگر می‌رفتیم و صحنه‌های دیگری را فیلمبرداری می‌کردیم. به همین دلیل ناگزیر از بداهه‌پردازی بسیار استفاده می‌کردیم. در این مورد هم خودمان ایده می‌دادیم و هم کارگردان کار و این بده بستن خیلی شکل می‌گرفت و بسیار راحت بود.

برای رسیدن به نقش جقدر درگیری داشته‌اید؟

با خاتیم صدیق و آقای باقری خیلی صحبت می‌کردیم و سعی می‌کردیم جزئیات در بیاوریم که مثلاً در هر بخش این کاراکتر چه حالتی دارد، میزان حساسیت پسر به پدر، ری‌اکشن‌هایشان، اصلاً این‌ها چقدر با یکدیگر صحبت می‌کنند، چقدر نگاه می‌کنند و خلاصه هر چه که باید را درمی‌آوردیم و در نهایت تمام سعی خودم را کرده‌ام که بهترین خودم را ارائه کنم.